



بررسی نقش مدیریت محله محور در مشارکت شهروندان در اداره شهر ها (نمونه موردی محله الغدير شهر بجنورد)

محمد معتمدی^۱ آزاده عوض پور^۲

۱. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان. خراسان شمالی. ایران

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان. خراسان شمالی. ایران

E-mail: azadeh.avazpour@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش مدیریت محله محور در مشارکت شهروندان در اداره شهرها (شهر بجنورد محله الغدير) هست. روش تحقیق پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی هست. جامعه آماری این مطالعه کلیه شهروندان محله الغدير که حدود ۱۵۰۰ نفر می باشد. برای اطمینان از کافی بودن حجم نمونه از فرمول نمونه گیری کوکران استفاده می شود. و روش تصادفی ساده استفاده گردید که تعداد ۱۰۶ نفر می باشند. جهت اطمینان تعداد ۳۱۰ پرسشنامه توزیع گردید و تعداد ۳۰۴ پرسشنامه بازگردانده شد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته است که در معرض قضاوت چند نفر از اساتید و کارشناسان در دانشگاه قرار گرفت و نهایتاً از پرسشنامه مورد توافق به عنوان ابزار جمع آوری داده ها استفاده شد. پایایی پرسشنامه از الفای کرونباخ استفاده گردید که نتایج نشان دهنده پایایی و قابلیت اطمینان پرسشنامه می باشد. طبق نتایج حاصله بین مدیریت محله محور و مشارکت شهروندان در اداره محله الغدير رابطه معنی داری وجود دارد و همچنین بین اعتماد آگاهی، مشارکت و همبستگی و انسجام با مشارکت شهروندان در اداره محله الغدير رابطه معناداری وجود دارد.

واژه های کلیدی

مدیریت، محله محور، شهروندان، محله الغدير بجنورد

مقدمه

رشد بی رویه توسعه شهرنشینی در عصر امروز به ویژه افزایش جمعیت در شهرهای کشور از جمله شهر بجنورد، مسائل و مشکلات بسیاری را بر جای گذاشته است که حل آن ها از توان مدیریت سنتی خارج است و مشارکت کلیه شهروندان را در اداره امور شهری طلب می کند و هر دو یعنی؛ مدیریت شهری و شهروندان قدرتمندتر می شوند و باهم نیز تضعیف می گردند. شهروندی به مثابه فرایندی اجتماعی و سیاسی از قرن نوزدهم در جوامع مدنی به صورت تعامل جدی بین دولت و ملت مطرح و به طور همزمان با مسئله عضویت در دولت - ملت ها از مباحث مهم اجتماعی و سیاسی شده است (عاملی ۱۳۸۰: ۴۶).

محله های شهری از دیرباز به عنوان عرصه های کالبدی و اجتماعی در شهرهای ایران مطرح بوده و به عنوان اجزای عملکردی و جغرافیایی شهرها به شمار می آمدند که نقش اساسی در حیات اجتماعی شهرها

داشته اند. محله های شهری به مرور زمان شکل می گرفته و جای خود را در شهر باز می کردند. شهر از مجموع این محله های منسجم تشکیل می شد. هریک از محله ها تمامی تأسیسات و تجهیزات اولیه مورد نیاز ساکنین خود اعم از بازارچه، آب انبار، مسجد، گرمابه و... را در بر داشت. شبکه راه های ارتباطی محله نیز از سلسله مراتبی برخوردار بوده و ارتباط فضاهای مختلف محله را باهم برقرار می کرد. امور محله ها از طریق یک سیستم خودیار و بدون نیاز به تشکیلات عریض و طویل مدیریتی اداره می شد و به دلیل وجود حس همبستگی قوی و اعتماد در بین ساکنان، کلیه امور محله رونق و تقویت می شد. در نظام محله ای سنتی انواع ساختارهای اجتماعی و فرهنگی به صورت خودجوش شکل گرفته و مسائل مختلف محله مانند فعالیت های مذهبی، برقراری امنیت، آموزش، تقسیم آب، احداث اماکن و تأسیسات عمومی همچون حمام، آب انبار و غیره را هدایت می کرد. لیکن ساختار محله های شهری از اوایل قرن بیستم دگرگون شده و خصوصاً در چند دهه گذشته به شدت تغییر یافته است. در مقطع یادشده علاوه بر دگرگونی بسیاری که در مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی در جهان و به تبع آن در ایران به وقوع پیوست، گسترش شتابان شهرنشینی همراه با رواج مدرنیسم نیز به نوبه خود اثر عمده ای در تغییر و تحول ساختار و عملکرد محله های شهری بر جای گذاشت. نظام سنتی محله ای از هم پاشید بدون آنکه نظام جدید به صورت کامل جایگزین آن شود. با تأسیس نهادهای مدیریت شهری دولتی، مدیریت از بالا به پایین و متمرکز جایگزین سیستم مدیریت محله ای گردید. در این سیستم، ساکنین محله ها چندان دخالتی در اداره امور محله نداشته و همین موضوع به سرعت باعث ایجاد احساس بی هویتی و بی مسئولیتی در آنان شد. به کارگیری ناقص اصول و ضوابط جدید مدیریت شهری از یک سو و سپردن مسئولیت امور محله ها به افراد غیر محلی باعث بروز مشکلات فراوان در محله ها شد. در سال های اخیر در جستجو برای یافتن سازوکارها و شیوه های حل مسائل محله ها، مباحث متعددی مانند توسعه محله ای، مشارکت محلی، توسعه پایدار محله محور و... در ادبیات علوم مربوط به شهر مطرح شده اند.

اداره کلان شهرها امروزه به معضلی مهم برای مدیران شهری تبدیل شده است. باین حال مشارکت و مدیریت شهری و در مقیاس